

۱۰۲ - توکل ، تفویض ، تسلیم و رضا¹

و نیز از حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه است **قوله جلّ و عزّ**: اصل کلّ الخیر هو الاعتماد علی الله و الانقیاد لامره و الرّضاء لمرضاته .

و در لوحی است: توکلوا فی کلّ الامور علی الله ربکم و ربّ آبائکم انه یسمع و یرى و هو المقدر القدير قل ان اطمئنوا بفضل الله و رحمته انه معکم و یأخذ من ظلّمکم كما اخذ من قبل طوبی للمتفرّسين .

و در لوح مدینه الرّضاء است قوله الاعلی: و من رضی الله ربّه یرضی عن عباده الّذین هم آمنوا به و بآياته فی یوم الّذی انصعقت فیہ کلّ من فی السّموات و الارض لانّ رضا العبد عن بارئه لن یثبت الا برضاء احباء الله الّذین انقطعوا الیه و كانوا من المتوکّلین .

و از حضرت عبدالمہاء است قوله العزیز:

هو الله

ای بنده جمال قدم در جمیع امور متوسّل بحیّ قیوم شو و متوکل بر ربّ و دود قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد بلی سعی و کوشش و جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقدوح بلکه شب و روز مهمل نباید بود و دقیقه نباید از دست داد چون کائنات سائر باید لیلاً و نهاراً و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکاء و اتکال بر فیوضات کرد زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فائده ندهد و همچنین تا باسباب تمسک نشود و به وسائل تشبّث نگردد ثمری حاصل نشود اَبی الله اَنْ یجرى الامور الا باسبابها و جعلنا لکلّ شیئی سبباً ربّ افتح علیه ابواب العطاء و ارزقهُ الرفاه و وسّع علیه الضنک و یسرّ له العسرَ باعظیم الانصافِ اَنْک انت الواهب الکریم . ع ع

¹ از امیرالمؤمنین حسین به علی رض و کرم الله وجهه پرسیدند از قول ابوذر غفاری رض که گفت الفقر احبّ الی من الغناء و السقم احبّ الی من الصحّة فقال رحم الله ابادر اما انا فاقول من اشرف علی حسن اختیار الله لا یتمنّ الا ما اختار الله له . (کشف المحجوب)

و قوله اللطيف : جوهر کلّ خیر رضا است باید احبّای الهی جز به رضا حرکت نکنند و به غیر از راه خدا نپویند از باده تسلیم سرمست باشند و در اقلیم تفویض حرکت نمایند .

و خطاب به آقا غلامرضا در زواره قوله الجلیل : ای طالب رضای حق مقام رضا بسیار مشکل است و اعظم آرزوی اهل بهاء ، سالک در این مقام بکلی از خود بیخبر است و آنچه واقع دردش را درمان و زخمش را مرهم سریع الالتیام است در این مقام جفا را وفا یابند و بلا را اعظم آلاء شمارند مصیبت را موهبت دانند و کُربت را مسرت شمردند فرح و سرورش دائمی گردد و فیض حبورش ابدی ، بر سریر سلطنت و استقلال جلوس نمایند و باعظم آمال مانوس شوند ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو فضلٍ عظیم . **عع**

و لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الاعلی :

بنام یکتا خداوند دانا

نامه ات رسد ندایت را شنیدیم و در سجن اعظم از مالک قدم آنچه مهلت است از برای تو خواستم انسان خود بر خیر و نفع خود آگاه نه علم غیب مخصوص است بذاته تعالی بسا میشود انسان امری را که به نظرش پسندیده است از حق جلّ جلاله مسئلت مینماید و بعد کمال ضرّ ازو حاصل لذا قلم اعلی مقام توکل و تفویض را القا فرمود بر هر صاحب بصر و ادراکی معلوم و واضح است که از حق جلّ جلاله آنچه ظاهر میشود از مقتضیات حکمت بالغه بوده و هست و اگر کسی تفویض نماید و توکل کند آنچه مصلحت او است ظاهر شود باید باسباب تمسک نمود متوکللاً علی الله مشغول گشت .